روز واقعه دیپلماسی

حسین قریبی
سفیر پیشین ایران در بریزبن

در یادداشت مشابه سال گذشته نوشته بودم که با توجه به شدت گرفتن تنگناهای معیشتی و نارضایتی‌های آزارهنده و تشدیدشونده در بخش‌هایی مانند تأمین انرژی، مهم‌ترین مسأله ایران و ایرانیان در سال ۲۰۲۵ میلادی، مسأله بهبود اقتصادی خواهد بود. در سال جاری تازه‌ای برق و آب به طرز چشمگیرتری رخ نمود و خانواده‌ها را درگیر کرد. نوشتم که مطالبه اصلی جامعه، نظام و دولت چهاردهم، افزایش ثروت ملی و افزایش درآمد سرانه است و این شاخص افزایش سریع درآمد است که می‌تواند ارتباط مستقیم با ارتقای سطح رضایت عمومی برقرار کند. به همین دلیل رفع تحریم‌ها و محدودیت‌های تجاری کشور و مدیریت روابط با دولت ترامپ در سال دوم آن، مهم‌ترین موضوع سیاست خارجی ایران است. در انتهای یادداشت هم گفته شده بود که مدیریت تله‌های عبری هوشمندی خاصی می‌طلبد.

البته که تله‌های عبری کار خودشان را کردند و در کنار مجموعه مسائل فوق‌الذکر، تجربه جنگ ۱۲ روزه و ادامه تبعات آن پیش چشمان ما قرار دارد.

چنین شرایطی البته الزاماتِ قوی را بر سیاست خارجی بار می‌کند.

به نظر نمی‌رسد که در تشخیص اولویت سیاست خارجی کشور، تردید و ابهامی داشته باشیم، لیکن در روش‌های تحقق آن دچار تشتت، انسداد و نبود ابتکارات خلاقانه و شجاعانه از سوی همه طرف‌ها هستیم. بنابراین در پاسخ به پرسش در مورد اولویت‌ها در سال ۲۰۲۶ حرف جدیدی ندارم و با فرض عدم تغییر شرایط خارجی در ماه‌های آتی، به طور اصولی همه نگاه‌ها به چونگنگی نحوه بهره‌گیری از نقش‌آفرینی عوامل مؤثر خارجی معطوف است. سال ۲۰۲۵ اگر یک درس مهم داشت، این بود که در تنگناهای تاریخی جنگ و فشار ویرانگر اقتصادی، یگانه بازیگر مؤثر در میدان، تنها خود مجموعه حاکمیت است که تکیه‌گاهی جز مردم ندارد.

ایران می‌تواند و باید مصمم باشد که از تمام داشته‌های دیپلماتیک خود در داخل و خارج از کشور بهره ببرد. جریان دیپلماسی باید روان، پویا و در حال جوشش دائمی باشد. هیچ روزی نباید بدون وجود حرف و نگاه جدید و مبتکرانه‌ای به شب برسد. داشته‌ها و ظرفیت‌های دیپلماسی و راه‌های ابتکاری غلبه بر وضعیت جاری بی‌شمارند. روز واقعه دیپلماسی همین امروز است.

دو اولویت پیش روی سیاست خارجی

محمد خواجوئی
کارشناس مسائل غرب آسیا

سال ۲۰۲۶ برای جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی، سالی تعیین‌کننده و چندلایه خواهد بود. در این مقطع، دو اولویت اصلی حکمرانی، جهت‌دهی کلی به دیپلماسی کشور را شکل می‌دهد: اول، «احیای بازدارندگی و امنیت ملی» بویژه در پی جنگ ژوئن ۲۰۲۵ و دوم، «بازگرداندن ایران به مسیر توسعه» و احیای نقش‌آفرینی آن به عنوان یک دولت توسعه‌گرا. در حوزه امنیت ملی، جلوگیری از تکرار درگیری نظامی و مهار تهدید حمله مجدد اسرائیل در کانون توجه سیاست خارجی قرار دارد. همزمان، تداوم تحریم‌ها و فشارهای فزاینده غرب، هزینه‌های اقتصادی را افزایش داده است. در چنین شرایطی، تقویت توان بازدارندگی دفاعی در کنار دیپلماسی فعال منطقه‌ای و بین‌المللی، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. ایران برای کاهش ریسک درگیری، باید از مسیر مدیریت تنش، فعال‌سازی کانال‌های سیاسی و بهره‌گیری از اهرم‌های دیپلماتیک، فضای امنیتی پیرامونی خود را کنترل کند.

اولویت دوم سیاست خارجی در سال ۲۰۲۶، بازگشت به مسیر توسعه است؛ مسیری که بیش از یک دهه است دچار وقفه شده و موجب عقب‌ماندگی کشور نسبت به بسیاری از همسایگان شده است. تحقق این هدف مستلزم کاهش محدودیت‌های ناشی از تحریم، جذب سرمایه و فناوری و فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی است. بدون تعامل مؤثر با اقتصاد جهانی و نهادهای بین‌المللی، امکان بازسازی زیرساخت‌ها، رشد پایدار و ارتقای رفاه عمومی فراهم نخواهد شد.

در این میان چالش‌های داخلی همچون بحران آب، معیشتی، و افت ارزش پول ملی نیز سیاست خارجی را به‌طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. این چالش‌ها ضرورت پیوند میان امنیت و توسعه را بیش از پیش برجسته می‌سازد. سال ۲۰۲۶ آزمون اساسی برای سیاست‌گذاران خواهد بود؛ آزمونی که در آن موفقیت سیاست خارجی نه صرفاً با پیشگیری از بحران‌های امنیتی، بلکه با گشودن مسیر بازگشت ایران به توسعه و ثبات بلندمدت سنجیده می‌شود.

«کاهش دامنه ابزارها» در شرایط «افزایش فشارها»

عابد اکبری
عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی

در سال ۲۰۲۶، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با مجموعه‌ای از چالش‌های درهم‌تنیده و ساختاری مواجه است که ریشه آنها را باید نه‌تنها در محیط بین‌المللی، بلکه در نحوه تعریف و بازنمایی ایران از خود در عرصه جهانی جست‌وجو کرد. مسأله اصلی سیاست خارجی ایران در این مقطع، «کاهش دامنه ابزارها» در شرایط «افزایش فشارها» است؛ وضعیتی که نتیجه سال‌ها بی‌توجهی به اهمیت تئوپسزاری مؤثر از ایران در نظام بین‌الملل به شمار می‌رود.

در دهه‌های گذشته، اهمیت راهبردی تصویر (Image) و ادراک (Perception) را در سیاست خارجی دست‌کم گرفته است. در حالی که کشورها با استفاده از دیپلماسی عمومی، رسانه، فرهنگ، علم و اقتصاد خلاق می‌کوشند روایت مطلوبی از خود بسازند، ایران عمدتاً از سرمایه‌های فرهنگی، تمدنی خود نه به‌عنوان ابزار تعامل، بلکه بیشتر به‌عنوان عناصر هویتی درون‌گرا بهره گرفته است. تمدن ایرانی - اسلامی، زبان فارسی، تاریخ تعامل‌محور ایران با جهان و ظرفیت‌های فرهنگی که می‌توانستند ایفای نقش بی‌بدیل در هژمونی نیازمند بازاندیشی است. بازاندیشی‌ای که تئوپسزاری را نه امری تزئینی، بلکه بخشی از امنیت و منافع ملی بداند. استفاده هوشمندانه از عناصر فرهنگی و تمدنی، بازتعریف روایت ایران در سطح جهانی و تقویت دیپلماسی عمومی می‌تواند بخشی از کمبود ابزارهای سخت را جبران کند.

می‌دهد. ایران در شرایطی قرار دارد که فشارهای سیاسی، اقتصادی و حقوقی ادامه‌دار، امکان مانور دیپلماتیک را محدود کرده‌اند و ابزارهای سنتی سیاست خارجی، از دیپلماسی رسمی تا اهرم‌های اقتصادی، کارایی گذشته را ندارند. در چنین فضایی، گشودگی به تصویر مثبتی از خود در افکار عمومی جهانی نه‌تنها، نازیرسا و هزینه‌های بیشتری برای پیشبرد منافع ملی مواجه می‌شود.

سیاست خارجی ایران در این مقطع بیش از هر زمان دیگری نیازمند بازاندیشی است. بازاندیشی‌ای که تئوپسزاری را نه امری تزئینی، بلکه بخشی از امنیت و منافع ملی بداند. استفاده هوشمندانه از عناصر فرهنگی و تمدنی، بازتعریف روایت ایران در سطح جهانی و تقویت دیپلماسی عمومی می‌تواند بخشی از کمبود ابزارهای سخت را جبران کند.

جهان پیش رو؛ تحلیل اکونومیست از ۲۰۲۶

خاورمیانه: معلق میان جنگ و صلح

جوسی دلاب
سردبیر بخش خاورمیانه اکونومیست

کارشناسان و تحلیلگران خاورمیانه معمولاً برآیین باورند که با به‌دبینی می‌توان کمترین خطا را در پیش‌بینی‌ها مرتکب شد. دو سال گذشته، تا حد زیادی این دیدگاه را تأیید کرده، اما در ماه‌های اخیر، دلایلی برای امیدواری نیز پدید آمده است. طرح صلح دونالد ترامپ با حماس آغاز شد و غزه انجامیده، حملات آمریکا و اسرائیل به ایران به یک آتش‌افروزی فراگیر منطقه‌ای منجر نشد و سوریه نیز به ورطه جنگ تمام‌عیار فرقه‌ای سقوط نکرده است.

حال بهترین سناریوی ممکن برای سال نهادن این دستاوردها را تصور کنید: جهانی که در آن، کسانی که برای آفرینش‌های آرام‌تر تلاش می‌کنند، پیروز می‌شوند. این سناریو از غزه آغاز می‌شود.

در اسرائیل، ایوزیسیون علیه ائتلاف بنیامین نتانیاهو منحل می‌شود و انتخابات به تشکیل دولتی فراگیر می‌انجامد. اولترا ارتودکس افراطی به دلیل تفرقه، وطنی به ورود به کنست نمی‌شوند. دولت جدید، پیمان‌های عدم تجاوز به سوریه و لبنان را امضا می‌کند و برای پیشرفت به سوی عادی‌سازی روابط با عربستان سعودی، تعهدات جدیدی را می‌پذیرد.

امید همواره زنده است. با این حال، خوشبینان از جمله نشریه اکونومیست، بارها اشتباه کرده‌اند. پس اگر دیدبینان محق از آب درآیند چه؟ شرط و اشتیاق برای صلح در میان پایگاه‌های اجتماعی گلبدی فروکش کرده است؛ اکنون تنها یک‌پنجم اسرائیلی‌ها از ایجاد یک کشور فلسطینی حمایت می‌کنند. حدود ۴۵ درصد فلسطینی‌ها طرفدار آن هستند، اما اکثریت قاطع با خلع سلاح حماس مخالف‌اند. با تکیه بر این وضعیت، حماس در این سناریو از کنار گذاشتن سلاح‌های خود سرباز می‌زند. کنترل غزه را حفظ می‌کند و بار دیگر به مقاومت مسلحانه متعهد می‌شود. در نتیجه، هیچ‌کس نیویی برای «نیروی تثبیت بین‌المللی» اعزام نمی‌کند و تا پهار، اسرائیل، که همچنان به ریاست نتانیاهو است، رئیس جمهوری آمریکا را متقاعد می‌کند که چارای جز ازسرگیری جنگ غزه نداارد. ترامپ که از تلاش برای مذاکره درباره مراحل پایانی توافقش خسته و دلزده شده است، می‌پذیرد و توجه خود را به جای دیگری معطوف می‌کند. ازسرگیری نبرد در غزه، موجی از پناهجویان را به سوی مصر روانه و مصر دوباره شبه‌جزیره سینا را تظافی می‌کند. همزمان در سوریه، کردها و دروزی‌ها پس از دو دیگری از خوزیزی‌های فرقه‌ای تلاش می‌کنند از کشور جدا شوند. نتانیاهو با استناد به وخامت وضعیت امنیتی منطقه، انتخابات را به تعویق می‌اندازد. او که همچنان بر متحدان راست افراطی خود متکی است، سرکوب در کرانه باختری را تشدید می‌کند و این منطقه وارد یک انتفاضه جدید می‌شود. در واقع، محتمل‌ترین سناریو، جایی میان این دو حد است. در غزه، جنگ از سرگرفته نمی‌شود، اما بازسازی نیز در عمل آغاز نمی‌شود. انتخابات اسرائیل به بن‌بست دیگری می‌انجامد. نتانیاهو اکثریت را به دست نمی‌آورد، اما نه به‌عنوان نخست‌وزیر موفقیت در قدرت باقی می‌ماند، زیرا ایوزیسیون موفق به تشکیل ائتلاف نمی‌شود. دولت توجه خود را به جای دیگری معطوف می‌کند. ازسرگیری نبرد در غزه، موجی از پناهجویان را به سوی مصر روانه و مصر دوباره شبه‌جزیره سینا را تظافی می‌کند.

همزمان در سوریه، کردها و دروزی‌ها پس از دو دیگری از خوزیزی‌های فرقه‌ای تلاش می‌کنند از کشور جدا شوند. نتانیاهو با استناد به وخامت وضعیت امنیتی منطقه، انتخابات را به تعویق می‌اندازد. او که همچنان بر متحدان راست افراطی خود متکی است، سرکوب در کرانه باختری را تشدید می‌کند و این منطقه وارد یک انتفاضه جدید می‌شود. در واقع، محتمل‌ترین سناریو، جایی میان این دو حد است. در غزه، جنگ از سرگرفته نمی‌شود، اما بازسازی نیز در عمل آغاز نمی‌شود. انتخابات اسرائیل به بن‌بست دیگری می‌انجامد. نتانیاهو اکثریت را به دست نمی‌آورد، اما نه به‌عنوان نخست‌وزیر موفقیت در قدرت باقی می‌ماند، زیرا ایوزیسیون موفق به تشکیل ائتلاف نمی‌شود. دولت توجه خود را به جای دیگری معطوف می‌کند. ازسرگیری نبرد در غزه، موجی از پناهجویان را به سوی مصر روانه و مصر دوباره شبه‌جزیره سینا را تظافی می‌کند.

همه چیز در سال ۲۰۲۶ به‌خوبی پیش نخواهد رفت؛ این امر قطعی است. اما بدترین سناریوها نیز لزوماً محقق نخواهند شد. جایی برای خوشبینی کورکورانه وجود ندارد، اما همچنان باید امید داشت، زیرا همیشه کسانی هستند که آینده‌ای بهتر را می‌بینند.

پایان کنترل تسلیحات هسته‌ای نزدیک است

آنتون لاوردیا
سردبیر دیپلماسی اکونومیست

مسابقه نوپای تسلیحات هسته‌ای ممکن است در سال ۲۰۲۶ به طور جدی آغاز شود. پیمان «نیو استارت»، آخرین معاهده‌ای که سلاح‌های هسته‌ای دو ابرقدرت آمریکا و روسیه را محدود می‌کند در ماه فوریه منقضی می‌شود. زمان کافی برای مذاکره درباره پیمان جدید وجود نخواهد داشت. چشم‌انداز یک دوره بی‌قیودبندی هسته‌ای نمایان است، آن هم در شرایطی که چین به‌سرعت زرادخانه خود را گسترش می‌دهد و هم متحدان آمریکا و هم دشمنانش به فکر هسته‌ای شدن می‌افتند.

بهترین امید برای حفظ محدودیت‌ها، یک تمدید غیررسمی است تا برای دستیابی به توافق بعدی زمان خریداری شود. ولادیمیر پوتین رهبر روسیه پیشنهاد کرده است که محدودیت‌های کنونی برای یک سال دیگر حفظ شود؛ دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا نیز موضعی مثبت نشان داده است. اما هر توافقی احتمالاً فاقد سازوکارهای راستی‌آزمایی خواهد بود که پس از تهاجم روسیه به اوکراین کنار گذاشته شدند. تازه، این توافق چینی توافق موشکی هسته‌ای است فقط اجتناب‌ناپذیر بودن را به تعویق می‌اندازد.

پیمان استارت جدید، آمریکا و روسیه را هریک به ۱۵۵۰ کلاهک راهبردی؛ محدود (یعنی دوربرد) و ۷۰۰ پرتابگر (بمب‌افکن‌ها، موشک‌های با سکوی پرتاب متحرک و موشک‌های با سکوی پرتاب‌شونده) و زیرساختی (محدود می‌کند. کسی نیز نیز بر آمریکا و آمریکا بزرگ‌تر از این هاست و هریک بیش از ۵۰۰۰ کلاهک اتمی دارند که شامل سلاح‌های کوتاه‌برد تاکتیکی؛ و ذخایر نیز می‌شود. چین بیش از ۶۰۰ کلاهک دارد و به برآورد پنتاگون تا سال ۲۰۳۰ بیش از ۱۰۰۰ کلاهک خواهد داشت.

کارشناسان هسته‌ای جمهوری خواه و دموکرات به‌طور فزاینده‌ای بر این باورند که آمریکا به سلاح‌های هسته‌ای بیشتری نیاز دارد. برخی می‌گویند زمان کنار گذاشتن «نیو استارت» فرا رسیده است. اما با وجود آن فروزن کنند و حتی تسلیحات بایدِ حدود ۱۵۰۰ سلاح تاکتیکی روسیه و سامانه‌های آن، مانند موشک‌های کروز هسته‌ای و آلزدهای هسته‌ای در دست توسعه را نیز در برگیرد. مهم‌تر آن، باید چین را هم مهار کند. چین نیز نیز نیاز دارد بنابراین بحث محدودیت‌ها به سه‌سر آمریکا و روسیه نرسد. جنگ سرد هم هراس‌انگیزتر است.

موفقت نخواهد کرد. ترامپ در کشاکش خواهد بود. یک غرورآمیز این است که ترسناک‌ترین قدرت نظامی جهان باشد. اگر حرف‌های سهل‌انگارانه‌اش درباره ازسرگیری آزمایش‌های هسته‌ای به انفجارهای واقعی زیرزمینی بیانجامد، باید انتظار واکنشی جهانی از انفجارها در جهای دیگر را داشت. انگیزه دیگرش نیز دارد. برخی می‌گویند زمان کنار گذاشتن «نیو استارت» فرا رسیده است. اما برخی از ضرورت کنترل و حتی تسلیحات باید حدود ۱۵۰۰ سلاح تاکتیکی روسیه و سامانه‌های آن، مانند موشک‌های کروز هسته‌ای و آلزدهای هسته‌ای در دست توسعه را نیز در برگیرد. مهم‌تر آن، باید چین را هم مهار کند. چین نیز نیاز دارد بنابراین بحث محدودیت‌ها به سه‌سر آمریکا و روسیه نرسد. جنگ سرد هم هراس‌انگیزتر است.

«ایران» چشم‌انداز تحولات جهان و دیپلماسی کشور در سال پیش روی میلادی را به بحث گذاشت

دو روی ۲۰۲۶ سامان یا بی‌سامانی ژئوپلتیک؟

تصویرسازی: محمد عباسپور

علیرضا حجتی، رضا عدالتی‌پور/ سیاست خارجی ایران در آغاز سال ۲۰۲۶ در نقطه‌ای ایستاده است که امنیت، توسعه و بقا بیش از هر زمان دیگری به هم گره خورده‌اند. شاید بتوان گفت که مهم‌ترین چالش سیاست خارجی ایران در سال ۲۰۲۶، مدیریت و مهار تهدید امنیتی-نظامی فزاینده است. از جلوگیری از امنیتی‌سازی برنامه موشکی و مهار خطر جنگ، تا عبور وافع‌بینانه از سایه تحریم‌ها، بازاندیشی در ابزارهای دیپلماسی، تقویت تاب‌آوری ملی و بازگشت به مسیر توسعه، مجموعه‌ای از چالش‌های درهم‌تنیده پیش‌روی دستگاه سیاست خارجی قرار دارد. کارشناسان و دیپلمات‌ها در این پرونده، اگرچه از زاویه‌های متفاوت به موضوع نگریسته‌اند، اما در یک نکته اشتراک نظر دارند. سال ۲۰۲۶ سال تصمیم‌های سخت، ابتکارهای شجاعانه و ایفای نقش دیپلماسی ایران در محیطی پرمخاطره و متحول است. برخی بر ضرورت اخلال در پروژه امنیتی‌سازی ایران توسط اسرائیل و فعال‌سازی کانال‌های ارتباطی با آمریکا تأکید کرده‌اند، برخی دیگر سایه همزمان جنگ و تحریم را مهم‌ترین تهدید دانسته و راه عبور از آن را در واقع‌نگری، مذاکره و اجماع داخلی جست‌وجو کرده‌اند. در کنار اینها، کاهش دامنه ابزارهای سیاست خارجی، دوگانه رفع تحریم و تاب‌آوری، پیوند امنیت و توسعه و نیاز به نوسازی ذهنی و ابتکاری در تصمیم‌گیری دیپلماتیک، تصویری چندلایه از مهم‌ترین چالش سیاست خارجی ایران در سال پیش‌رو ترسیم می‌کند؛ چالشی که پاسخ به آن، آینده جایگاه ایران در منطقه و جهان را رقم خواهد زد.

این چالش‌ها اما در خلأ شکل نمی‌گیرند و فهم آنها بدون درک تحولات محیط بین‌المللی و روندهای مسلط برنظم جهانی در سال پیش‌رو ممکن نیست. در بعد جهانی، دوران دوم ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ، انتظارات جهانی را از نو تنظیم کرده و عدم قطعیت را به ویژگی تعیین‌کننده چشم‌انداز ژئوپلتیک و اقتصادی بدل ساخته است. اگرچه مسیر پیش رو همچنان نامشخص است، اما سال ۲۰۲۶ به احتمال زیاد باآنفتگی‌های ژئوپلتیکی و مالی بیشتری همراه خواهد بود. سال گذشته، زمانی که جهان خود را برای بازگشت دونالد ترامپ به کاخ سفید آماده می‌کرد، بسیاری هشدار دادند که ۲۰۲۵ سالی سرنوشت‌ساز برای چندجانبه‌گرایی خواهد بود. با نگاه به ۲۰۲۶، کارشناسان سالی را پیش‌بینی می‌کنند که با تشدید ریسک‌های ژئوپلتیک و تعمیق گسست اقتصادی مشخص می‌شود؛ سالی که در آن ایالات متحده و چین برای برتری فناورانه و نظامی رقابت می‌کنند و اروپا برای همگام ماندن و دور نگه داشتن روسیه-تقلا خواهد کرد. تحلیلگران «پراچت سیندیکیت» و «اکونومیست» در چنین شرایطی چشم‌انداز ۲۰۲۶ را ارائه داده‌اند: جهانی پر از واهمه که نظم قدیمی را کنار گذاشته و ژئوپلتیک و هـــــوش‌مصنوعی در آن حکم‌رانی خواهند کرد.

ژئوپلتیک به سبک قرن ۲۱: خطوط روشن‌تر خواهند شد

ژانی مینتون بیدا
سردبیر ارشد اکونومیست

در سیاست جهانی، سال ۲۰۲۵ سالی بود که در آن یک نظم قدیمی به پایان رسید. دونالد ترامپ مناطق نفوذ را میان روسیه، چین و اسرائیل تقسیم کرد و با بی‌اعتنایی به قواعد و نهادهایی را که دهه‌ها پابرجا بودند، به جهان شدت و فراوانی درهم کوبید که در آن دست به بازآرایی گاگ سفید زد. قدرت‌های او نظام تجارت جهانی را درهم کوبید. ماشین دیپلماسی بین‌المللی، از سازمان ملل گرفته تا کمک‌های خارجی یا کاهش بودجه‌های آمریکا ضربه خورد. محیط آب درآمد جهانی را به روابطی محق‌محور بازسازی شدند که قدرت نظامی و اقتصادی آمریکا را به رول تبدیل می‌کردند. در داخل، ترامپ گسترده‌ترین قدرت اجرایی در یک قرن اخیر را اعمال کرد. سربازان به شهرهای تحت اداره دموکرات‌ها اعزام شدند؛ دانشگاه‌ها را تهدید و قطع بودجه به تمکین واداشته شدند؛ استقلال فدرال رزرو مورد حمله قرار گرفت و سازوکار دولت علیه دشمنان رئیس‌جمهوری به کار افتاد.

از نظر راهبردی، اعمال تعرفه‌های تنبیهی بر هند (ظاهراً به عنوان مجازات خرید نفت از روسیه) و برزیل (به دلیل محاکمه ژائیر بولسونارو) و چندان معقول نبود. هر دو تصمیم، این کشورها را به چین نزدیک‌تر خواهد کرد. ترامپ پیشرفت چندانی بر لادیمیر پوتین نداشت و شی جین‌پینگ او را دور زد. چین برنده روشن کشمکش‌های تجاری سال ۲۰۲۵ شد.

با وبرانی نظم قدیم، خطوط کلی جهان جدید در سال ۲۰۲۶ در سه حوزه اصلی بسیار روشن‌تر خواهد شد: اول، آینده دموکراسی‌های لیبرال غربی. انتخابات آمریکا دخالت کند.

در مقابل، نیمکره غربی شاهد به‌کارگیری خشن قدرت آمریکا خواهد بود: ترکیبی از حمایت از متحدان ایدئولوژیک در آمریکای لاتین و تایپ بوکه در السالوادور) و قلدری بی‌پرده علیه دشمنان ایدئولوژیک. باید انتظار تلاش‌هایی برای تغییر حکومت در ونزوئلا و کوشش‌هایی برای شاگردگیری برخی از انتخابات، مثلاً در کلمبیا را داشت.

سومین حوزه شفافیت: چه به سود و چه به زیان، اقتصاد خواهد جود. چه اصلاح شدید بازار رخ دهد یا نه، اگر قیمت سهام آن‌گونه که در ۲۰۲۵ اتفاق افتاد، دیگر چنین نقشی نخواهد داشت. تأثیر دگرگون‌کننده بهره‌وری هوش مصنوعی نیز به این روندها که موجوانش اعمد دارند، ظاهر نخواهد شد. آسیب‌های تعرفه‌ها آشکارتر می‌شود. فشار بر مصرف‌کنندگان سنگین‌تر و ناپایداری کسرهای بودجه آمریکا واضح‌تر. انتخاب ترامپ برای ریاست جمهوری دیگر، رول‌زنو نشان خواهد داد که آیا استقلال بانک مرکزی به پایان رسیده یا نه. اما تورم به آشفتگی سیاسی عمیق‌تری تبدیل نشود، عسور از دلار بعید است. اما تا پایان سال ۲۰۲۶، اقتصاد آمریکا شاید دیگر آن قدر استثنایی به نظر نرسد.

اگر ترامپ وارد مذاکرات جدی کنترل تسلیحات شود، جهان ممکن است به سوی یک مسابقه تسلیحاتی پیش برود که بالقوه از دوران جنگ سرد هم هراس‌انگیزتر است

ژئوپلتیک به سبک قرن ۲۱: خطوط روشن‌تر خواهند شد

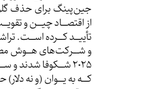

پاتریک فولیس
سردبیر بخش جغرافی اکونومیست

پس از سال موفق ۲۰۲۵، شی جین‌پینگ رهبری چین در سال ۲۰۲۶ با سالی سرشار از وسوسه روبه‌رو هستند. تاکنون شیافه‌ترین نشانه‌ها، از مسیر سیاست خارجی آمریکا از آسیا و آمریکای لاتین خواهد آمد. اما این رقابت باید آسانه‌تر بود. ترامپ برای فشار بر آمریکا، باید به معامله با چین که تمایل خطرناک حمایت از تایوان بیناجامد. ابهام راهبردی آمریکا عمدتاً است چای خود را به بی‌اعتنایی سپرده‌اند، بدهد، بویژه اگر تضعیف اقتصاد آمریکا، دستیابی به یک توافق تجاری بزرگ با چین را برای ترامپ مهم‌تر کند.

در مقابل، نیمکره غربی شاهد به‌کارگیری خشن قدرت آمریکا خواهد بود: ترکیبی از حمایت از متحدان ایدئولوژیک در آمریکای لاتین و تایپ بوکه در السالوادور) و قلدری بی‌پرده علیه دشمنان ایدئولوژیک. باید انتظار تلاش‌هایی برای تغییر حکومت در ونزوئلا و کوشش‌هایی برای شاگردگیری برخی از انتخابات، مثلاً در کلمبیا را داشت.

سومین حوزه شفافیت: چه به سود و چه به زیان، اقتصاد خواهد جود. چه اصلاح شدید بازار رخ دهد یا نه، اگر قیمت سهام آن‌گونه که در ۲۰۲۵ اتفاق افتاد، دیگر چنین نقشی نخواهد داشت. تأثیر دگرگون‌کننده بهره‌وری هوش مصنوعی نیز به این روندها که موجوانش اعمد دارند، ظاهر نخواهد شد. آسیب‌های تعرفه‌ها آشکارتر می‌شود. فشار بر مصرف‌کنندگان سنگین‌تر و ناپایداری کسرهای بودجه آمریکا واضح‌تر. انتخاب ترامپ برای ریاست جمهوری دیگر، رول‌زنو نشان خواهد داد که آیا استقلال بانک مرکزی به پایان رسیده یا نه. اما تورم به آشفتگی سیاسی عمیق‌تری تبدیل نشود، عسور از دلار بعید است. اما تا پایان سال ۲۰۲۶، اقتصاد آمریکا شاید دیگر آن قدر استثنایی به نظر نرسد.

۲۰۲۶ سال وسوسه انگیز چین

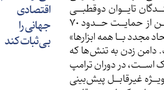

پاتریک فولیس
سردبیر بخش جغرافی اکونومیست

پس از سال موفق ۲۰۲۵، شی جین‌پینگ رهبری چین در سال ۲۰۲۶ با سالی سرشار از وسوسه روبه‌رو هستند. تاکنون آنها در دوران ترامپ کارت‌های خود را به‌خوبی بازی کرده‌اند: اقتصاد چین را از جنگ تجاری مصون نگه داشتند، با قدرت ملاقه در مجموع کار را پیش‌بردند (که هر پنج سال یک‌بار برگزار می‌شود) تشکیل می‌شود و مسأله جانشینی برجسته خواهد شد. برخی از مشاوران شی ممکن است: استدلال کنند که در سال ۲۰۲۶ شرایط برای یک کارزار تهاجمی «منطقه حاکمیتی» علیه تایوان از هر زمان دیگری در حافظه نزدیک بهتر خواهد بود. موضع ترامپ درباره دفاع از این جزیره دوپهلو است، تهدید تعرفه‌های تنبیهی آمریکا دیگر کارایی ندارد، رأی دهندگان تایوان دوقطبی شده‌اند و چین از حمایت حدود ۷۰ کشور برای «اتحاد مجدد با همه ابزارها» برخوردار است. دامن زدن به تنش‌ها که همواره خطرناک است، در دوران ترامپ می‌تواند آثار بویژه غیرقابل پیش‌بینی داشته باشد، زیرا ممکن است رقابت تسلیحاتی منطقه‌ای میان متحدان آمریکا را که از رهاشدن می‌ترسند، برانگیزد.

حتی در حالی که شی جین‌پینگ درباره تجارت و تایوان بی‌اندیشد، ممکن است وسوسه شود قواعد جهانی بیشتری را به همگام ماندن و دور نگه داشتن روسیه-تقلا خواهد کرد. تحلیلگران «پراچت سیندیکیت» و «اکونومیست» در چنین شرایطی چشم‌انداز ۲۰۲۶ را ارائه داده‌اند: جهانی پر از واهمه که نظم قدیمی را کنار گذاشته و ژئوپلتیک و هـــــوش‌مصنوعی در آن حکم‌رانی خواهند کرد.

در سال ۲۰۲۵، کسری تجاری سالانه آلمان با چین به مرز ۱۰۰ میلیارد دلار نزدیک می‌شد. ترامپ احتمالاً سرزنش از چین در پیشبرد فروپاشی بیشتر نظم جهانی تحت رهبری آمریکا موفق خواهد بود. دومین جوزه غرور در سال ۲۰۲۶ می‌تواند تایوان باشد. جاسوسان آمریکایی معتقدند شی جین‌پینگ به ارتش آزادی‌بخش خلق دستور داده تا سال ۲۰۲۷ توانایی حمله به این جزیره خودگردان را داشته باشد. این همان سالی است که کنگره بعدی حزب کمونیست (که هر پنج سال یک‌بار برگزار می‌شود) تشکیل می‌شود و مسأله جانشینی برجسته خواهد شد. برخی از مشاوران شی ممکن است: استدلال کنند که در سال ۲۰۲۶ شرایط برای یک کارزار تهاجمی «منطقه حاکمیتی» علیه تایوان از هر زمان دیگری در حافظه نزدیک بهتر خواهد بود. موضع ترامپ درباره دفاع از این جزیره دوپهلو است، تهدید تعرفه‌های تنبیهی آمریکا دیگر کارایی ندارد، رأی دهندگان تایوان دوقطبی شده‌اند و چین از حمایت حدود ۷۰ کشور برای «اتحاد مجدد با همه ابزارها» برخوردار است. دامن زدن به تنش‌ها که همواره خطرناک است، در دوران ترامپ می‌تواند آثار بویژه غیرقابل پیش‌بینی داشته باشد، زیرا ممکن است رقابت تسلیحاتی منطقه‌ای میان متحدان آمریکا را که از رهاشدن می‌ترسند، برانگیزد.

حتی در حالی که شی جین‌پینگ درباره تجارت و تایوان بی‌اندیشد، ممکن است وسوسه شود قواعد جهانی بیشتری را به همگام ماندن و دور نگه داشتن روسیه-تقلا خواهد کرد. اگر این اقدام کند، آیا اقدام خواهد کرد؟ اگر نه، اروپا دچار خواهد زد.

دالیا غانم

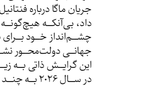

دالیا غانم
رژیم‌های شمال آفریقا در ۲۰۲۶ همچنان کلاس درسی برای تداوم حکومت‌های نیمه‌اقتدارگرا ارائه خواهند داد. با این حال، فشارهای سیاسی عمیق‌تر هر روز هاردایدرتر می‌شوند. اگرچه از صادرات گاز به اروپا متنفع است، ورشو به نظر می‌رسد، در حال که تونس و مصر به لبه پرتگاه مالی نزدیک می‌شوند.

در سال ۲۰۲۶، اتحادیه اروپا شاید ناچار شود سرانجام با یک حقیقت تلخ روبه‌رو شود: ایالات متحده قصد ندارد آن در برابر روسیه حفاظت کند. دولت ترامپ تلاش‌های صلح در اوکراین را کنار خواهد گذاشت و روسیه را آزاد می‌گذارد تا تلاش جنگی خود را تشدید کند. اروپا، مطابق عادت، به دنبال راه‌های حل مالی برای یک مشکل نظامی خواهد رفت؛ مشکلی که «پول حل نمی‌شود. اوکراین، در همین حال، به جنگی ادامه خواهد داد که اتحادیه اروپا هنوز حاضر نیست آن را جنگ خود بداند.

کریستینا کافارا

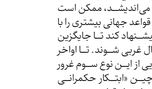

کریستینا کافارا
اروپا گیه با محدودیت‌های قدرت نرم، خطاهای مبتنی بر ارزش‌ها و الیوه دست‌های اندیشکده‌ای درباره «حفاظت از دموکراسی» در جهانی که با قدرت سخت در حال نوظهور روبه‌روست، نتوانسته به فرید استیصال مارپوه‌رگی پاسخ دهد؛ «اگری چرخه‌های روتق و رکود را تسریع می‌کند و امکان جاه‌جایی پول با سرعت‌هایی فراتر از توان انسان را فراهم می‌سازد. این امر احتمال مطلوب شلوغ و بازگشت‌های تند هنگام تغییر شاخص بازار را افزایش می‌دهد. هرچند قدرت سیاسی تابع‌های بزرگ ایالت‌ها را از نظارت سخت‌تر مصون می‌دارد، اما همین امر آنها را در برابر شوک‌ها آسیب‌پذیرتر می‌کند.

شبنم اوزجان

ش